

نشانه‌معناشناسی گفتمان تبلیغی موسی(ع)

فاطمه اکبری‌زاده^{۱*}، مرضیه محمص^۲

۱. استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، تهران، ایران

چکیده

گفتمان قرآن، گفتمانی چندلایه است و با بهره از روش‌های مطالعه معنا، فرایندهای ارزشی معنا و جنبه کاربردی و تأثیری متن را تا حدودی می‌توان روشن کرد و از این میان، روش تحلیل نشانه‌معناشناسی گفتمان، با بازخوانی نظام‌های سیال متن ضمن روساخت قالب‌بندی شده، چگونگی کارکرد، تولید و دریافت معنا را در نظام‌های گفتمانی تبیین می‌کند. این جستار با بهره از این روش با بهره از الگوی تنشی تحلیل به مطالعه شخصیت آیه ابتدایی سوره الشعراء می‌پردازد که جهت‌الگودهی و آرامش‌دادن به پیامبر اکرم(ص)، گفتمان تبلیغی حضرت موسی(ع) را روایت می‌کند. فضای تنشی حاکم بر گفتمان آیات در عین در برگرفتن نظام‌های گفتمانی مختلف با نوسان مرزهای معنایی، فرایند سیال معنا را در تعامل دو بعد عاطفی و شناختی شکل می‌دهد. گفتمان آیات تعاملی است و تحت تأثیر حضور حسی ادراکی و شوشی در شرایطی ناپایدار و غیرمنتظره قرار دارد به طوری که در کشمکش طرف‌های گفتگو با اتصال و انفصال در فضای گفته‌پردازی و نیز با رخداد زیبایی‌شناختی اعجاز، گفتمان به سمت مرکز عملیات گفته‌پردازی که در اینجا «ربوبیت» است، سوگیری می‌کند تا فراتر از نقطه توانش و کنش تبلیغی، در ابعاد زیبایی‌شناختی، نتیجه نهایی رقم بخورد.

واژگان کلیدی: گفتمان، قرآن، تحلیل نشانه‌معناشناسی، الگوی تنشی، موسی(ع)



۱. مقدمه

قرآن پژوهی ادبی و زبانی که اغلب در حوزه مطالعات ساختاری و مضمونی منحصر بوده است با تحول مطالعات زبان‌شناسی و ظهور نشانه‌شناسی پدیدار شناختی، به خوانش جدیدی از فرایندهای تعاملی گفتمان قرآن و ابعاد شناختی^۱ و عاطفی^۲ آن دست‌یافته است. مطالعات نشانه‌شناسی با گذر از سه مرحله تحول از ساخت‌گرایی سوسوری منحصر در مطالعات مکانیکی به‌دوراز روح فردی تولیدات زبانی و مرحله دوم از نشانه‌شناسی روایی^۳ گرامسی مبتنی بر رابطه تقابلی قطب‌های معنایی و نظر به نقش گفته‌پرداز در مطالعات زبان، در مرحله سوم یا همان پساگرامسی^۴ به بعد تعاملی زبان در فعالیت گفتمانی و بررسی روابط حسی- ادراکی در تولید معنا توجه کرده است. (رک شعیری، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۳). این پژوهش قرآنی با تحلیل بر مبنای الگوی مطالعاتی نشانه‌شناسی گفتمان که خود به‌نوعی برآیند نشانه‌شناسی ساخت‌گرا و نظام روایی مطالعات معنایی است (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶) و متن به‌مثابه محصول گفتمانی باز، پویا و در جریان در نظر گرفته می‌شود (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۱۰۸) به مطالعه گفتمان داستان موسی در بخش نخست سوره شعرا می‌پردازد و با بررسی نظام‌های گفتمانی^۵، چگونگی تولید و دریافت معنا در بعد تعاملی فضای گفته‌پردازی تبیین می‌شود و روشن می‌گردد گفتمانی هوشمند چگونه تبدیل به «میدان عملیات گفتمان»^۶ می‌شود تا گونه‌های نو و ناآشنا در آن تکثیر و معناهای غیرمنتظره در آن تولید شوند.

گفتمان قرآن بر اساس انسجام و کلیت معنایی‌اش، داستان‌های انبیاء را بر اساس اغراض منطقی و عاطفی در هر سوره بیان می‌کند (خلف الله، ۱۹۷۲: ۱۳۹-۱۴۰) و هر داستان در هر سوره با اسلوب متفاوت جهت بیان حکمتی جدید ذکر می‌شود (مجد فقیهی، ۱۳۹۴: ۲۲)؛ سوره الشعراء نیز سرگذشت هفت تن از انبیاء و گفتمان‌های آنان در تبلیغ امر رسالت را جهت آرامش و روحیه دادن به پیامبر اکرم (ص) برای تبلیغ دین اسلام ذکر می‌کند. این آیات هنگامی نازل شدند که مسلمانان سخت در اقلیت قرار داشتند و هیچ‌گونه موازنه قدرت نبود. اینجا خداوند سرگذشت‌های مشابهی را از اقوام پیشین بیان می‌کند تا بدانند این قدرت عظیم دشمن و ضعف ظاهری آن‌ها هرگز سبب شکست نخواهد شد، تا بر استقامت و پافشاری خود بیفزایند (مکارم، ج ۱۵، ص: ۱۹۶). گفتمان آیات نخست سوره الشعراء در درجه اول نمودی از یک نظام گفتمان بسته برنامه

مدار تبلیغی است اما در ادامه درمی‌یابیم که نظام این گفتمان بیش از هر چیز تعاملی است و تحت تأثیر حضور حسی ادراکی و شوشی در شرایطی ناپایدار و غیرمنتظره قرار می‌گیرد و معنا سیال و متکثر می‌شود. این آیات در دو بخش قابل‌بررسی است: ابتدا داستان دعوت به هدایت و سپس داستان هجرت. نخست فرایند روایی این دو گفتمان بررسی می‌شود و بعد فضای تنش‌ی شکل‌گرفته میان موسی و فرعون و اکاوی می‌شود. سپس الگوهایی که در هر کدام از دو فضای ارزشی گفته‌پردازی موسی و فرعون پیش‌گرفته می‌شود بازنمایی می‌گردد و در پایان نیز ابعاد زیباشناختی جهت دهنده نتیجه گفتمان آیات ترسیم خواهد شد. لذا خوانش فضای تنش‌ی آیات در نظر دارد روشن کند: فرایندهای گفتمانی در داستان رسالت حضرت موسی ع دارای چه الگوی تنش‌ی هستند؟ ابعاد معنایی، ارزشی و زیبایی‌شناختی نظام‌های تعاملی گفتمان تبلیغی موسی ع چه فرایندی را شکل داده‌اند؟

۲. پیشینه تحقیق

در باب تبیین نشانه معنانشناسی گفتمان می‌توان تألیفات "شعیری" را پیشتاز دانست. وی در کتاب «تجزیه و تحلیل نشانه معنانشناختی گفتمان» به بررسی عملیات گفتمانی و عناصر و ابعاد آن می‌پردازد و در کتاب «نشانه معنانشناسی ادبیات» (۱۳۹۵) ویژگی‌های چهار نظام گفتمانی را به تفصیل شرح می‌دهد. وی این ابزار تحلیلی را در بازنمایی لایه‌های سیال معنایی گفتمان قرآنی نیز بکار گرفته است و اندک زمانی است که پژوهشگران به خوانش نشانه معنانشناختی گفتمان قرآنی توجه نمودند. برخی مانند "حق‌بین" و همکارش در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نشانه-معنانشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت بر پایه مطالعات نشانه‌شناختی گریماس» (۱۳۹۲) به بررسی نظام گفتمان روایی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت و ساختار زیر بنایی و پدیدارشناسی زیبایی‌شناختی آن پرداختند و برخی مانند "داودی مقدم" در دو مقاله «بازنمایی انسجام در داستان حضرت ابراهیم ع بر اساس تحلیل نشانه معنانشناسی گفتمانی» (۱۳۹۲) و «تحلیل نشانه معنانشناسی گفتمان در قصه یوسف (ع)» (۱۳۹۳) به تبیین انواع نظام‌های گفتمان روایی در داستان حضرت ابراهیم (ع) و داستان حضرت یوسف (ع) پرداخته است. وی همچنین در مقاله اخیر خود «تحلیل ادبی زبانی داستان قرآنی موسی (ع) و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی» (۱۳۹۳)، نظام‌های گفتمان روایی داستان موسی (ع) و خضر در سوره



کَهِف را تحلیل و از دید روایت داستانی، نمونه‌هایی از نظام‌های نشانه‌معنایی را توصیف کرده است. "سعادت" و همکارانش در مقاله «کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی، نشانه‌شناسی فرایندهای گفتمانی «کرامت» در قرآن با تکیه بر الگوی تنشی» (۱۳۹۲) به دنبال خوانش بر مبنای الگوی پساگرماسی آیات ناظر به کرامت در گفتمان قرآن برآمده‌اند. "شریفی" و همکارش نیز در مقاله «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن» (۱۳۹۳) با استفاده از همین الگو به تحلیل محورهای تنشی و معرفتی سوره در دو سطح جزئی و کلی و جمع بندی تأثیر انگیزشی و معرفتی بر مخاطب پرداخته‌اند. "پاکتچی" و همکاران در مقاله «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره «قارعه»» (۱۳۹۴)، با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی، با بهره از الگوی تنشی دلالت به ترسیم فرایندهای گفتمانی این سوره پرداخته‌اند و این الگو را به تفصیل توضیح داده‌اند و این جستار نیز در ادامه تلاش‌های پیشین، در سوره‌ای دیگر از قرآن، به بازخوانی نظام‌های سیال معنا در نظام تنشی گفتمان داستان موسی می‌پردازد.

۳. برخی مفاهیم نظری

- گفتمان قرآن

ساحت چندوجهی قرآن کریم، نقش دوگانه معرفت‌بخشی و انگیزه‌بخشی دارد (شریفی، ۱۳۹۳: ۴۹) قرآن، اثری منسجم و کلیت یافته است. نزول تدریجی قرآن نه فقط از وحدت آن نکاسته بلکه رویکردهای درونی و مبتنی بر مسائل زبانی و سبکی قرآن، بر جلوه‌های پیوستگی و اعجاز زبانی آن افزوده (میر، ۱۳۹۰: ۱۲) و انسجام گفتمان قرآن، در تمامی ابعاد معرفتی، موضوعی و ساختاری در یک سوره و در ارتباط سوره‌ها باهم در کلیت قرآنی قابل دریافت است.

- اتصال (پیوست^۷) و انفصال (گسست^۸) گفتمانی

گفتمان فعالیت زبانی، حاصل تعامل گفته پرداز و گفته‌یاب در موقعیت ارتباطی خاص است (ر.ک: شعیری، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۷). گفته^۹ محصول جریان تولید گفتمان یا همان گفته پرداز^{۱۰} است. در فرایند گفتمان سه مؤلفه: عامل، زمان و مکان دخیل هستند. در تولید گفتمان با نوعی عمل‌کننده حسی ادراکی «جسمار» مواجه هستیم که با موضع‌گیری^{۱۱} گفتمانی گاه متوجه بروز

مواضع کمیت، ابعاد باعث بسط یا گستره^{۱۲} یا انفصال^{۱۳} گفتمانی می‌گردد و گاه بر آنچه از درون موجب تنش و فشاره^{۱۴} می‌شود متمرکز شده و باعث قبض، فشاره یا اتصال^{۱۵} گفتمانی می‌گردد (شعیری، ۱۳۸۵: ۳۰). در زمان تحقق عمل زبانی گفتمان برای تولید گفته راهی جز نفی مؤلفه‌های سه‌گانه (من، اینجا، اکنون) نیست که از طریق عملیات برش، این نفی صورت می‌گیرد که به ترتیب به (غیر من، غیر اینجا و غیر اکنون) بدل می‌شود (همان: ۲۵) و موجب افزایش گستره کلامی می‌گردد. عملیات اتصال گفتمانی با بازگشت به بنیان‌های گفتمان (من، اینجا، اکنون) موجب محدودیت حوزه کلامی است. به عقیده ژاک فونتنی^{۱۶} اتصال گفتمانی با گستردگی در تضاد است و به مرکز اصلی گفتمان نزدیک است و موجب بالا رفتن فشاره یا فشردگی و قبض کلام می‌شود (فونتنی، ۱۹۹۸: ۹۴). به عقیده کورتز^{۱۷} در بازگشت به مرکز گفتمان در عملیات اتصال گفتمانی، فضای گفته ناپدید می‌شود (کورتز، ۱۹۹۱: ۲۵۵).

(اتصال) قبض یا حصار گفتمانی # (انفصال) بسط یا گریز گفتمانی

- عملیات گفتمان

گفتمان، نوعی عملیات زبانی است که منجر به شکل‌گیری معنا می‌شود. گفتمان به دلیل پویایی‌اش، همواره ما را با نوعی موضع‌گیری گفتمانی، بسط روابط، تعامل بین نیروهای مختلف مواجه می‌کند (شعیری ۱۳۸۸: ۳۶). این عملیات گفتمان از یک موضع به‌عنوان «مرکز^{۱۸} مرجعیت راهبردی» فرمانده می‌شود (همان: ۳۲). «فضای گفته‌پردازی» (قلمرو خود اینجا اکنون) و محل بیشترین فشاره عاطفی و محدودترین گستره شناختی است. (فونتنی، ۱۹۹۸: ۹۳) افق^{۱۹}‌های میدان گفتمان، گستردگی حوزه حضور گفتمانی را می‌سازند و بر گستره افزوده و عوامل غیرعاملی و زمانی و مکانی را در گفتمان وارد می‌سازند. (شعیری، ۱۳۸۵: ۳۲)

-الگوی تنشی^{۲۰}

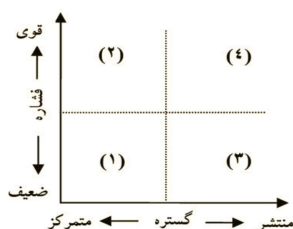
گفتمان به مثابه جایگاهی است که در آن انسان در موقعیتی جهت‌اند و هدفمند با دنیا و چیزها رابطه حسی- ادراکی یعنی عاطفی و شناختی دارد. این پایگاه حسی- ادراکی ایجادکننده نوعی حضور است که بر اساس آن فضای تنشی در رابطه‌ای نوسانی و فرایندی شکل می‌گیرد. بر اساس نظریه ژاک فونتنی طرحواره تنشی فرایند گفتمان چهار گونه است که بر روی دو محور X در بعد فشاره (عاطفی) و محور Y در بعد گستره (شناختی) قابل ترسیم است (فونتنی،



۱۹۹۸: ۱۰۰-۱۰۸): طرحواره فرایندی افت یا تنزل تنش؛ طرحواره فرایندی افزایش یا اوج فشاره عاطفی؛ طرحواره فرایندی افزایش همزمان قدرت فشاره‌ها و گستره‌ها؛ طرحواره فرایندی کاهش همزمان قدرت فشاره‌ها و گستره‌ها. (ر.ک: شعیری، ۳۳: ۱۳۸۵-۴۴ و شریفی، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۷) این چهار منطقه این‌گونه تصویر می‌شوند:

(۱) منطقه فشاره ضعیف و گستره متمرکز؛ (۲) منطقه فشاره قوی و گستره متمرکز؛

(۳) منطقه فشاره ضعیف و گستره منتشر؛ (۴) منطقه فشاره قوی و گستره منتشر



۴. تحلیل نشانه‌مناشناسی گفتمان آیات (۱۰-۶۸ از سوره الشعراء)

گفتمان سوره الشعراء، بر اساس شوش (نگرانی) و حالت خاص روانی اجتماعی حاکم بر مسلمانان و پیامبر اسلام (ص) شکل گرفته که البته مشابه با حال پیامبران گذشته است و گفتمان‌های مختلف انبیا در ارتباط زنجیرمند از آغاز تا پایان باهم منسجم پیش می‌روند تا الگویی از گفتمان تبلیغی به پیامبر اسلام ارائه و انواع استراتژی‌های گفته پردازی مرور شود و ایشان الگو گیرد. این عامل شوشی، منجر به روایت فضای تنشی گفتمان داستان انبیاء و ابتدا موسی ع می‌شود

۴-۱ عبور از گفتمان روایی کنشی به گفتمان سیال

در بررسی گفتمان این آیات به نظر می‌رسد که نوعی گفتمان بسته برآمده از دستور شکل گرفته که با الگوی روایی گفتمان گرماس قابل تحلیل است؛ آن‌گونه که معنا تابع تغییر وضعیت از شرایط اولیه به ثانویه برآمده از کنش یا برنامه منسجم در نظامی بسته است که همه چیز از یک نقصان آغاز و به عقد قرارداد منجر می‌شود و سپس توانایی لازم برای کنشگر جهت کنش،

در افعال بایستن، توانستن، دانستن و خواستن جمع می‌شود و نهایتاً کنش لازم و ارزیابی^{۲۱} شناختی و عملی آن صورت می‌گیرد. (ر.ک: شعیری، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۶)

عقد قرارداد فرایند روایت گفتمان تبلیغی موسی(ع) از نقطه نقصان یعنی ابلاغ رسالت و دعوت به ایمان و تقوی و به تبع آن رفع ظلم از بنی اسرائیل آغاز می‌شود. گفتمان تبلیغ با فرمان پروردگار جهت رفع نقصان ضلالت بنی اسرائیل آغاز می‌شود. نظام گفتمان هوشمند، آمرانه، دستوری با برنامه مشخص است (ر.ک: شعیری، ۱۳۸۸: ۱۷) و فرمان وحی در همین نظام گفتمان ابلاغ می‌شود (الشعراء: ۱۰-۱۱). موسی مأمور به دعوت به تقوی می‌گردد. پیمان درونی بر مبنای میثاق رسالت شکل می‌گیرد اما ضعف روحیه موسی ع در مواجهه با دشمن سرکش و قوی چون فرعون مانع تحقق کنش است؛ موسی ع در برابر وظیفه خود بیمناک است (فضل‌الله، ۱۳۹۲: ۲۸۰) که چهار چیز مخلّ تحقق گفتمان دستوری وحی باشند: تکذیب، ضیق صدر، عدم فصاحت کافی و قصاص (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۵-۱۹۸). موسی به‌عنوان کنشگر گفتمان تبلیغی در مواجهه با ضد کنشگر^{۲۲} (فرعون)، کنش‌یاری^{۲۳} چون برادرش هارون و نیز توانمندی زبانی و اندیشگانی می‌طلبد (الشعراء: ۱۲-۱۴). کنشگزار اصلی (خداوند) فراتر از خواسته او، در کنار او و برادرش قرار می‌گیرد:

قَالَ كَأَلْ فَأَنْهَبًا بَأَيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ (۱۵)

واژه «كَأَلْ هرگز» در نهایت ایجاز و تأکید، جای هیچ بهانه و نگرانی را باقی نمی‌گذارد. «إِنَّا معکم» خداوند خود را در کنار آندو قرار می‌دهد تا جمع این حضورها به قدرتی عظیم برای کنش مبدل گردد. اینجا با نظام گفتمانی کنشی-تجویزی مواجهیم. در این هدف تغییر وضعیت نابه‌سامان به سامان‌یافته است که کنش از سوی کنشگزار^{۲۴} به شکل دستوری برای تحقق ارزش^{۲۵} پیش می‌رود (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۹). دستور امری «أَنْهَبًا: بروید» برای تحقق ارزش (ترسیم ربوبیت و هدایت به آن) داده می‌شود و موسی ع با آگاهی، اراده و شناخت و باورمندی وارد کنش در عملیات گفتمان تبلیغی می‌شود.

نقصان یا بحران ← توانش در تحقق و تصاحب ابژه ارزشی ← کنش ← ارزیابی شناختی و عملی

«نمودار نظام روایی کنشی»



موسی وارد کنش می‌شود و به تبلیغ امر وحی مبادرت می‌ورزد اما روند روایت در آخرین مرحله یعنی «ارزیابی^{۲۶} کنش» شکلی متفاوت می‌گیرد. در این مرحله کنشگر بر اساس موفقیت یا شکست در کنش باید پاداش می‌گیرد یا تنبیه می‌شود (شعیری، ۱۳۹۵: ۴۰). اما در گفتمان آیات خبری از چنین ارزیابی نیست و اینجاست که دیگر فرمول تحلیلی نظام روایی پاسخگو نیست. دیگر نمی‌توان حضور معنا ساز را به رابطه تقابلی و عینی با ابژه تقلیل داد بلکه گفتمان تحت کنترل رابطه‌ای حسی-ادارکی پیش می‌رود و نتیجه حاصل می‌شود.

داستان گفتمان آیات در دو بخش، صحنه مواجهه با فرعونیان است: ابتدا ابلاغ دعوت که از آن سخن رفت، و دیگری هجرت که برش گفتمانی آیات ۵۲-۶۸، صحنه هجرت را ترسیم می‌کند. «هنگامی که موسی ع حجت را بر آن‌ها تمام کرد، و صفوف مؤمنان و منکران مشخص شد، دستور کوچ کردن بنی اسرائیل به موسی داده شد» (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ۲۳۶). این دومین نظام روایی با دستور هجرت شکل می‌گیرد (الشعراء: ۵۲). عقد قرارداد گفتمان هجرت، با نقطه نقصان اتمام حجت و شدت گرفتن اضطراب با دستور الهی در عین ایمان قلبی به همراهی و پشتیبانی خداوند، توانش^{۲۷} لازم برای کنش هجرت را فراهم می‌سازد. موسی، بنی اسرائیل را بسیج کرده، فرمان حرکت می‌دهد. اما باز هم نتیجه و ارزیابی طبق روندی برنامه مدار و منطقی حساب شده نیست که بتوان در روند نظام روایی بررسی کرد بلکه اموری فرا طبیعی و خارق‌العاده نتیجه روایت را رقم می‌زنند و بعد زیبایی‌شناختی حاکم تعیین‌کننده معنا می‌گردد. روشن است آنچه در گفتمان آیات رخ می‌دهد جریانات و فرایند تعاملی است که شرکای گفتمانی با ارائه سبک خاصی از حضور در تعامل دو بعد شناختی و عاطفی شکل می‌دهند. معنا دیگر تنها متأثر از قواعد و درون نظامی نیست بلکه معانی در ارتباطات انسانی و تنش موجود در میان فرایندهای دلالت تبدیل به معنای تازه و نو می‌شوند. (شرفی، ۱۳۹۳: ۵۴) از همین رو در اینجا الگوی سیال تنشی قابل پیگیری است.

۲-۴. تحلیل نظام گفتمان تنشی

گفتگوهای آیات ابتدایی سوره الشعراء، رابطه تنگاتنگی با بافت تنشی برآمده از نگرانی پیامبر از روند هدایت و تأثیرپذیری مردم و مخالفان دارد «شاید تو از غصه و غم و اندوه خود را تلف

کفی، برای اینکه این کفار و مشرکین ایمان نمی‌آورند» (الشعراء: ۳) و از این رو «همین‌که گفت‌وگوها به پایان می‌رسد تنش پنهان در موقعیت که سبب اظهارات به نسبت ملایم آغازین مجالی بری بروز نیافته بود به ناگاه قوت می‌گیرد» (میر، ۱۳۹۰: ۱۵۹). تکرار این مضمون: «آنان که حقیقت را انکار می‌کنند حتی با دیدن معجزه هم متقاعد نخواهند شد» در نُه آیه اول سوره و آیات ۱۶-۳۷ اشاره به جهت‌گیری‌های حسی ادراکی در برابر حق و شکل‌گیری معنا در فضای تنشی دارد. سوره هر بار با تکرار آیه کلیدی «إِنَّ فِي نَالِكٍ لَّآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» وارد روایت سرگذشت انبیای گذشته می‌شود و همچون حلقه‌ای پیوندی در انتهای هر بخش از داستان انبیا تکرار می‌شود تا همه زنجیرهای گفتمانی در یک سلسله منسجم در پاسخ به پیامبر قرار گیرند.

۱-۲-۴. تحلیل فرایندهای گفتمانی (در ابعاد حسی-ادراکی)

در نظام گفتمانی تنشی، کنش تحت کنترل شرایط تنشی تنظیم می‌شود و شرایط ابژه از وضعیت بیرونی خارج می‌شود و وضعیتی درونی می‌یابد (شعیری، ۱۳۹۵: ۲۸) موسی در فضای تنشی حاکم بر گفتمان، در اولین موضع‌گیری، خود و برادرش را "فرستاده رب العالمین" معرفی می‌کند تا از همان نقطه‌ای که توانش لازم را بدست آورده وارد عملیات گفته‌پردازی شود. از همین جا مرکز عملیات گفتمان در نقطه «ربوبیت» شکل می‌گیرد و گفته‌پردازی از عمق فضای تنشی استوار بر مجموعه جریان‌های حسی ادراکی آغاز می‌شود:

إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶) أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۷)

در گفتگوی میان موسی و فرعون، هریک سعی دارند دیگری را به حاشیه برانند و وضعیت طرف مقابل را بی‌اثر و ضعیف جلوه دهند. هریک می‌کوشند بر دیگری تأثیر بگذارند و کنش-گزار باشند و توانش او را جهت کنش مطلوب خود سوق دهند. هر دو گفته‌پرداز به عنوان شرکای گفتمانی در تعامل با هم، سعی دارند مرکز عملیات گفته‌پردازی را برای تأثیر بر مردم به دست گیرند لذا انتساب به "ربوبیت" اهمیت می‌یابد. فرعون در اولین قدم خود را "رب" می‌خواند و با بازنمایی خاطرات سعی می‌کند دایره عملیات منتسب به خویش را توسعه دهد. فضای تنشی، فضایی سیال دارای عمق دوسویه است که می‌تواند پیش‌تنیده (خاطره‌ای در گذشته‌های دور) یا پس‌تنیده (انتظاری در آینده) باشد (شعیری، ۱۳۸۵: ۹۶-۹۷); فرعون با

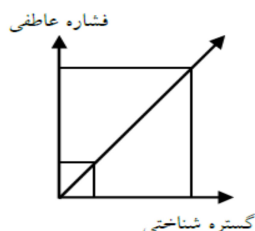


تاکید بر ربوبیت خود، با ذکر خاطراتی از گذشته و نیز با ترسیم آینده سعی می‌کند (ر.ک: الشعراء: ۱۸-۱۹) تا عمق فضای تنشی گفتمان از گذشته تا آینده (چه از لحاظ زمانی و چه از لحاظ مکانی) تنیده شود. فرعون از خاطره ربوبیت خود در پروراندن و بزرگ کردن موسی می‌گوید و آن را به سرنوشت آینده او در حمایت از موسی در مقابل قتلی که انجام داده می‌گوید تا بر تأثیر بر احساسات او و نیز ادراک عواقب مخالفت با فرعون، او را به ناسوژه مبدل سازد اما موسی این فرایند را به چالش می‌کشد و با پاسخ‌های قاطعانه (همان: ۲۰-۲۲)، توطئه او را خنثی می‌سازد.

موسی ع اتهام را انکار نمی‌کند اما توضیح می‌دهد که در زمان ارتکاب خطا از گمراهان بوده است و بخشی از صحبت خود را حذف می‌کند و حمایت خاندان سلطنت را در خور مکالمه نمی‌داند. موسی ع نه تنها از دام فرعون می‌گریزد بلکه او را مقصر و مجرم هم جلوه می‌دهد (میر، ۱۳۹۰: ۱۶۱). فرعون، درمانده مسیر کلام تغییر می‌کند و به منظور تجاها و تحقیر، مرکز عملیات گفته‌پردازی یعنی نقطه «ربوبیت» را نشانه می‌گیرد و با لحنی طعنه‌آمیز و گزنده می‌پرسد: «وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۳): پروردگار عالمیان چیست؟»

فرعون ضمن انفصال از فضای گفتمانی موسی، سعی می‌کند بنیان آن را به چالش می‌کشد. موسی ع نیز بدون توجه به نیت و لحن فرعون، پرسش او را بسیار جدی پاسخ می‌دهد (میر، ۱۳۹۰: ۱۶۱). مرکز فضای گفته‌پردازی که نقطه تراکم انرژی‌ها و فشارها یا همان مرکز ارجاع عملیات گفتمان است (پاکتچی، ۱۳۹۴: ۵۳) در نقطه مرکزی «ربوبیت رب العالمین» پی‌ریزی می‌شود. با توجه به اینکه هدف، تأثیر در قلب فرعون و مردم جهت پذیرش حق است لذا خط مشی روش تبلیغی موسی و هارون در چارچوب کلام آرام و با محبت (فضل‌الله، ۱۳۸۹: ۲۸۱) یعنی در اوج فشاره عاطفی است. موسی در فرایندی/افزایشی^{۲۸} از همان مرکز فشاره عاطفی قوی، مرکز ربوبیت را در پیوند با ابژه‌های متعدد دیگر قرار می‌دهد و با گسترش جهان گفته، گستره شناختی را منتشر^{۲۹} می‌کند و در گزاره کلی و جهان‌شمول، ربوبیت خداوند را در دایره تمام هستی ترسیم می‌کند.

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲۴) « قَالَ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ (۲۶) »
قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۲۸)



در فرایند افزایش همزمان قدرت فشاره‌های عاطفی و گستره‌های شناختی، انگیزش عاطفی و کنشی جهت رفتن به مسیر هدایت صورت می‌گیرد.

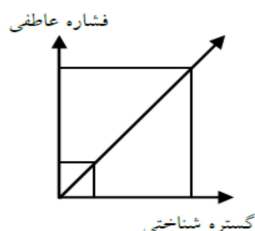
از اینجا به بعد، فرعون و موسی هریک به عنوان گفته پرداز، در دو میدان عملیات به مبارزه برمی‌خیزند و هریک در تعامل با مردم به عنوان گفته یابان فضای تنشی خاصی را حاکم می‌کنند. موسی ع ضمن نفی خداوندگاری فرعون، فضای گفته پردازای فرعون (بر پایه ادعای ربوبیت خود) را فضایی بیگانه می‌خواند و با انتساب ربوبیت صرفاً به خداوند جهانیان، این فضای ارزشی را در چالش با آن قرار می‌دهد. موسی ع در نقض نظام شوشی فرعون از عقلانیت و یقین می‌گوید و پروردگار را ربّ تمام مشرق و مغرب و آسمان‌ها و زمین و مابین آن‌ها می‌خواند. امری که بر کسی پوشیده نیست مگر آنان که از تعقل و یقین دورند.

أدر فضای تنشی گفتمان فرعون، فرعون به عنوان گفته پرداز با حفظ فشاره عاطفی و تأکید بر ربوبیت و قدرت و حاکمیت خود، همچنین با وارد ساختن مردم به فضای گفته‌پردازای گستره فضای تنشی گفتمان افزوده می‌شود.

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ (۲۵) ... إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ (۲۷) قَالَ لَنْ اتَّخَذَتْ لِأَهْلِهَا

غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ (۲۹)

اینجا و در تعامل فرعون با مردم، ابتدا در نظام گفتمان احساسی شاهد گفتمان تنشی-عاطفی هستیم. فرعون با استفاده از فضای تنشی می‌کوشد با تغییر احساسات شوشگر، او را به سوی کنش مطلوب یعنی انقیادپذیری سوق دهد (ر.ک: خراسانی، ۱۳۸۹: ۶۲). فرعون از ناحیه موسی احساس خطر می‌کند و با تمسخر و لحن هشدار در فشاره عاطفی بالا بر مردم متمرکز شده و سپس گستره را بیشتر می‌کند تا بحران شامل آنان و نیاکانشان شود.



بدین ترتیب فرعون در مقابله با موسی با گستره منتشر و فشاره‌های عاطفی شورمند^{۳۰} از نقطه ربوبیتی که خود بر مردم دارد به‌طور مستقیم بر آنان تأثیر می‌گذارد تا با جوسازی تنشی-عاطفی، دینامیسم حرکتی گفته‌یابان جهت یافته و خواستن و بایستن به آن‌ها دیکته گردد و با فرعون همراه شوند. همچنین فضای گفته پردازی خود را ارزشمند و گفتمان موسی و یارانش را بیگانه و قابل حذف می‌سازد. موسی ع را در انتساب به آنان «رسولکم» قرار و نسبت جنون و دیوانگی می‌دهد تا نه تنها او بلکه پیروانش را نیز شامل شود و اثر منطقی نیرومند او را در افکار حاضران خنثی کند. تهدید می‌کند که اگر بدون اجازه ایمان آورند همه را زندانی خواهد کرد.

حرکت دیگر؛ در سبک حضور تنشی-کنشی^{۳۱} در روندی برنامه‌مند دستیابی به ارزش‌ها اتفاق می‌افتد (ر.ک: شعیری، ۱۳۹۵: ۴۵) لذا در فضای تنشی گفتمان فرعون، مطابق الگوی تجویزی که «رابطه‌ای عقلانی برنامه مدار و قراردادی میثاقی» (شعیری، ۱۳۹۵: ۲۹) است، فرعون در فرایندی کنشی هوشمند، امر به تحدی می‌دهد (الشعراء: ۳۰-۳۱). یکی از ابزارهایی مخالفان رسالت، اتهام‌زنی است (خرسندی، ۱۳۷۹: ۱۶۳-۱۶۵): فرعون برای عاجز نشان دادن موسی با دروغ‌گو خواندن او، از او می‌خواهد معجزه بیاورد: «اگر راست می‌گویی آن را بیاور!». گفتمان فرعون، با حفظ همان روند افزایشی ساختار فضای تنشی ذکر شده و تقویت ربوبیت فرعون، برای تحریک مردم نوعی مشارکت می‌جوید تا با ایجاد باور در آنها، جهت انجام کنش مطلوب، کنار او جمع شوند. وی شروع به تخطئه موسی ع می‌کند:

قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ (۳۴) يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ (۳۵)
وَ قِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مَحْتَمِعُونَ (۳۹)

در جریان شناختی با دو ابزار تأثیرگذاری شناختی یکی مجابی و دیگری تفسیری مواجیهیم و. باورهای فرهنگی اجتماعی حاکم به عنوان باور ارجاعی و نیز روش تهدید، ترس یا تحریک، به مجاب نمودن منتهی می‌شود (شعیری، ۱۳۸۵: ۶۴-۶۵). پس فرعون با القا^{۲۲}، توانش آنها را جهت بایستن انکار و تقبیح موسی(ع) قرار می‌دهد. جریان شناختی که ایجاد می‌کند (هرچند از جهت ارزشی بر پایه فریب است) جهت مجاب^{۲۳} نمودن البته نه اقتناع مؤثر است لذا در بخش اول داستان، مردم را مجاب می‌کند که باید در برابر موسی ع بایستند؛ پس پیشنهاد مقابله ساحران با موسی را می‌دهند(الشعراء:۳۶-۳۷). اینجا اطرافیان فرعون یا اغفال شده یا آگاهانه این تهمت او را می‌پذیرند که او " ساحر " است، و در مقابل ساحر باید از ساحران ماهرتری کمک خواست (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ص: ۲۲۰). اینجا شاهد گفته‌پردازی ساحران هستیم:

قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَلْأَجْرَاءُ إِن كُنَّا نَحْنُ الْعَالِيَيْنَ (۴۱) نَعَمْ وَ إِن كُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۴۲)

تأکیدات کلامی و اطمینان ساحران به موفقیت و اضطراب موقعیت فرعون، تعاملی کنشی برپایه القاءات فرعون است و فرعون جزای آنان را در تقرب به خود تعیین می‌کند. اما بعد از تغییر ساحران، فرعون شگفت‌زده تلاش می‌کند مردم را با خود همراه سازد. وانمود می‌کند این سرپیچی ناشی از تأثیر دعوت موسی ع در ردّ سلطه فرعون نیست و توطئه‌ای از پیش طراحی شده است (فضل‌الله، ۱۳۸۹: ۲۹۲)؛ پس در گفتمانی تنشی-عاطفی با بالا بردن فشاره عاطفی و در گستره پرشمار، همه را به مرگ و شکنجه تهدید یا با اتهام‌زنی به دسیسه، سعی می‌کند توانش آنها را از بین برده و کنششان را تحت تأثیر قرار دهد و با جوسازی تنشی-عاطفی، مردم(به‌خصوص ساحران) را در مسیر همراهی خود قرار دهد. همه را تهدید به قتل و نابودی و اخراج می‌کند(الشعراء:۴۹) که البته سودی ندارد.

در بخش دوم داستان(هجرت) نیز فرعون به هدف مبارزه با موسی و یارانش به منظور بسیج عمومی نیروها برای مغلوب ساختنشان، از گفتمان القایی استفاده می‌کند:

إِن كُمْ لَنَا لَعَائِظُونَ (۵۵) وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ (۵۶) فَأَتَيْنَاهُمُ مِّنْشَرِقِينَ (۶۰)

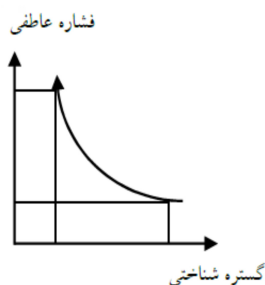
در نظام القایی، تعامل میان هر دو طرف گفتمان، سبب تعیین یا شکل گرفتن کنش می‌شود و یکی از دو طرف باید دیگری را متقاعد کند. (شعیری، ۱۳۸۸: ۱۸) فرعون با افزایش فشاره عاطفی و استفاده از القا با راهکارهایی چون تحریک، فریب، وسوسه و اغوا که موسی و یارانش اندکند؛



ما را به خشم آوردند و ما آماده پیکار با آنانیم، توانش لازم را در یاران خود فراهم و بایستن لازم در اقدام همگانی برای از بین بردن آن‌ها ایجاد می‌کند هرچند ارزیابی نهایی عملکرد، نتیجه-ای فراکنشی است. در فضای تنشی ترسیم‌شده در گفتمان فرعون، سبک حضور گزینشی و حذفی و فشارهای تأکید می‌شود. در این سبک تنشی گزینشی^{۳۴}، با عدم پذیرش فضای بیگانه، این فضا در شرایط فشارهای محکوم به حذف است (شعیری، ۱۳۹۵: ۴۷). فرعون در اینجا موسی و به تبعش پیروان او را در گسست گفتمانی با فضای گفتمانی خویش قرار می‌دهد تا مردم بدانند که عواقبی مانند بیرون رانده شدن و مجازات که بر سرشان می‌آید، برآمده از انتخاب این سبک حضور است.

ب. فضای تنشی گفتمان موسی در چالش با فضای تنشی گفتمان فرعون در برابر گفته یابان یعنی مردم قرار دارند تا حقیقت جلوه‌گر شود و مردم سبک حضور خود را برگزینند. اگر فرعون با تأکید بر ربوبیت خود، جذب گستره فراوان از مردم را در دستور کار خود دارد و از همه از مردم و ساحران به هر ترفندی برای همراه سازی با خود استفاده می‌کند تا در فرایند افزایشی حسی ادراکی، موقعیت خود را به‌عنوان مرکز گفته‌پردازی در جامعه حفظ کند اما در فضای تنشی گفتمان موسی، بیشتر تأکید بر پیوست حضور در دایره گفتمان با مرکزیت ربوبیت حق تعالی است.

پیوست، عملیات گفتمان را دوباره متمرکز^{۳۵} می‌کند (فونتی، ۱۹۹۸: ۵۸). اگر موسی در ابتدا درخواست خود را با نام مردم مطرح کرد و با فرایندی افزایشی به گفته پردازی پرداخت تا در فشار عاطفی قوی ابعاد مختلف مردم را در سایه فضای گفتمانی ربوبیت الهی قرار دهد اما در ادامه گفته‌پردازی، فرایند نظام تنشی گفتمان رسالت به سمت مرکز عملیات و یکی کردن گستره‌های وجودی متعدد در ذات وجود ربوبی پروردگار در عمق^{۳۶} پر فشار عملیات گفتمان است.



در فرایند صعودی^{۳۷} فوق، در بعد التفاتی^{۳۸} سوژه به سوی چیزهایی روی می‌آورد که در درونش یک فشاره و نیروی حس آگاه برمی‌انگیزد (پاکتچی، ۱۳۹۴: ۵۱). اینجا نوع حضور التفاتی است. به سبب معجزات، همه در عمق فضای گفته پردازی وارد و در آن جذب می‌شوند بطوریکه ضمیر «ما» مشتمل بر همه آن‌هایی است که در اتصال به رب «ربنا» قرار می‌گیرند.

قَالُوا يَا مَنَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ (۴۷) ... قَالُوا لَا ضَيْرَ لَنَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (۵۰) إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ (۵۱)

لذا در دستور به هجرت نیز می‌بینیم مخاطبان (مردم) با ورود به فضای گفته‌پردازی (قلمرو خود و اینجا و اکنون) تبدیل به "ما" شدند و خداوند نیز با تأکید بر این اتصال، می‌فرماید با "بندگان من" «بعبادی» (الشعراء: ۵۲) هجرت کن. پس مخاطبان گفتمان تبلیغی از افق دور در قلمرو گفته‌پردازی به مرکز «ربوبیت» نزدیک شده و به عمق وارد شدند تا در پیوند با «رب العالمین» با انگیزش فراوان و باعاطفه قوی حضور یابند. در داستان هجرت، که مردم در برابر خود دریا و در پشت‌سر لشکر فرعون که به دنبال نابودی‌شان است می‌بینند نگران و دچار نوعی لغزش می‌شوند و بیم این می‌رود «ما» شکل‌گرفته توسط فرعونیان نابود شود.

قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ (۶۱) قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ (۶۲)

اضطراب و نگرانی یاران منجر به شکل‌گیری گفتمانی عاطفی از نوع حسی-ادراکی در نظام تعاملی مبتنی بر نوعی هم‌سوایی یا هم‌ارتباطی^{۳۹} حضور است. شیوه حضور هر یک از طرفین سبب تولید حسی مشابه و سپس حرکت و کنشی مشابه در طرف دیگر می‌گردد. (شعیری، ۱۳۸۱: ۸۵) در این لحظه حساس رویارویی، تعامل بر اساس هم‌ترازی عاطفی شکل



می‌گیرد و اطمینان خاطر در موسی به یاران تسری می‌یابد تا با استقامت در مسیر ایمان گام نهند. پیوست به مرکز قوی ربوبیت و اتصال به او و آرامش خاطر در عدم رسیدن هرگونه گزند به مردم، بر بعد التفاتی گفته‌پردازی «إِنَّ مَعِيَ رَبِّيَ» پروردگارم با من است» تاکید دارد. موسی ع با قاطعیت اطمینان می‌دهد خداوند با ماست و نتیجه نهایی به دست اوست. کنشگزار اصلی (رب) از نقطه اوج فشاره با ابرکنش ای اعجازی، نتیجه را رقم می‌زند.

۲-۲-۴. تحلیل بعد زیبایی‌شناختی^{۲۰} گفتمان

در دو فضای تنشی گفتمان موسی و فرعون، مردم به‌عنوان مخاطبان گفته یاب، هدف و ابژه هستند تا تحت تأثیر قرار گرفته به‌سوی عمق مرکز عملیات گفتمانی هدایت شوند. همان‌طور که پیش‌تر دیدیم فرعون با سبک حضور تنشی- کنشی، برنامه‌ای طراحی می‌کند و ساحران را به مبارزه با موسی می‌خواند و با بالا بردن فشاره عاطفی حاکم بر گفتمان، گستره زیادی از مردم را موردنظر قرار می‌دهد. اما در فضای گفتمان ربوبیت الهی که موسی شکل می‌دهد همه‌چیز از درون شکل می‌گیرد و باطن افراد متحول شده و قلب‌ها متمایل می‌شود یعنی نوعی وضعیت رخدادی در سبک حضور تنشی- شوشی. وقتی شوش بسیار دفعی و یک‌باره تابع لحظه‌بارقه^{۲۱} باشد حالت از خود بیخودی رخ می‌دهد و شوشگر در وضعیت شوریدگی حضور به سر می‌برد (شعیری، ۱۳۹۵: ۴۴). اینجا ساحران در یک لحظه، در وضعیت کوبشی تکانه‌ای قرار می‌گیرند و در برابر معجزه الهی متنافر با سحرشان، خیره مانده و قدرت عمل از کف می‌دهند و در یک شوک حسی ادراکی غافلگیر و به‌نوعی استحال می‌شوند و وضعیت استعلایی می‌یابند.

وقتی فرعون به تحدی برمی‌خیزد؛ هم‌اوردی ساحران طبق توافق قبلی، برنامه از قبل تعیین‌شده فرعون اجرا می‌شود. ساحران پشتوانه توانشی خود را از جایگاه فرعون استمداد می‌کنند تا بتوانند وارد کنش شوند. (الشعراء: ۴۴) با توکل بر قدرت فرعون، ریسمان‌ها و عصاهای خود را بر زمین می‌افکنند. اما ابرکنش رخدادی اعجاز شکل می‌گیرد.

قَالَ قِي عَصَاهُ فَإِنَّا هِيَ تُعْيَانُ مُبِينٌ (۳۲) وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِنَّا هِيَ بِيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ (۳۳)
قَالَ قِي مُوسَى عَصَاهُ فَإِنَّا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۴۵)

اعجاز را می‌توان ابرکنش رخدادی مبتنی بر مشیت الهی دانست؛ چراکه بروز معنا برق‌آسا

بوده، از هیچ برنامه از قبل تعیین شده تبعیت نمی‌کند (شعری، ۱۳۸۸: ۲۲). ابرکنش غیر بشری در گفتمانی *رخدادی* از نوع مبتنی بر *مشیت الهی* صادره از منبع قدرتمند الهی برخلاف عمل دروغین ساحران رقم می‌خورد که نتیجه آن خیره‌کننده است. نظام رخدادی، به دلیل ویژگی نامنتظری، ماهیت شوشی دارد و حواس در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند (شعری، ۱۳۹۲: ۹۴). آنچه ساحران می‌بینند تمامی حواس و قوه عقل و ادراک آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دگرگونی شدید در آن‌ها رقم می‌زند. ساحران در اینجا در فضای گفتمانی موسی با محوریت ربوبیت الهی، دچار تحول درونی می‌شوند و با فشار عاطفی بالا از فضای گفته‌ای فرعون که نسبت به فضای گفته پرداز می‌موسی بیگانه است جدا شده و با سرعت به عمق مرکز عملیات گفتمان ربوبی موسی جذب و متصل می‌شوند. همه چیز در لحظه رقم می‌خورد (شعری، ۱۳۸۸: ۲۰). رابطه تعاملی و درهم تنیده ابژه و سوژه، برپایه پذیرش حقانیت از درون است. باور و ایمان در دل ساحران نفوذ می‌کند و کنشی غیرمنتظره رقم می‌خورد:

فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (۴۶)

قرآن تسلیم ساحران را با «القی: افکنده شدند» تعبیر می‌کند: «چنان تحت تأثیر جاذبه معجزه موسی ع قرار گرفتند که گویی بی‌اختیار بر زمین افتاده و سجده کردند» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۱۰: ۲۷۵). در این نوع گفتمان، من شخصی (ساحر) با گذر از تجربه شناختی با قرار گرفتن در وضعیتی شوشی، دچار نوعی استحاله می‌شود و به من استعلایی تبدیل می‌گردد. به مرکز گفتمان پردازش رسالت پیوند می‌خورد، به مرحله کنش وارد می‌شود. این استحاله به سبب وجود فرا ارزش در گفتمان تبلیغ رسالت است. فرا ارزش، ارزش ارزش است و ضامن و تکیه-گاهی برای ارزش در نظامی حسی ادراکی است (شعری، ۱۳۸۵: ۱۹۸). فرا ارزش توحیدی در اینجا فضایی زیبایی‌شناختی می‌آفریند که به باور درونی و اقناع منتهی می‌شود. از همین رو ساحران در مسیر خود پایدارند و در برابر تهدیدهای فرعون، هرگز متزلزل نمی‌شوند بلکه به ایمان خود تصریح می‌کنند: «ما به پروردگار عالمیان ایمان آوریم!» (الشعراء: ۴۸) و برای اینکه جای هیچ ابهام و تردید باقی نماند و فرعون نتواند این سخن را تفسیر دیگری کند، اضافه کردند: «به پروردگار موسی و هارون» (همان: ۴۹).

پاسخ ساحران: «قَالُوا لَا ضَيْرَ لَنَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» (همان: ۵۰)، گفتمان شوشی ادراکی در اصرار بر ایمان است. «لاضیر لنا» بیان‌کننده درونیات آنان و شدت پیوند و ایمانشان به



پروردگار است و «متقلبین» ضمن بیان استمرار و دوام امر، از انقلابی کامل بدون تزلزل حکایت دارد (یاسوف، ۲۰۰۶: ۱۷۳). آن‌ها چنان به مرکز گفته‌پردازی «رب» نزدیک می‌شوند که پروردگار را در کنار خود «ربنا» خطاب قرار داده و از او مغفرت می‌طلبند. تأکید بر «رب» در سراسر این گفتمان‌ها شاید آن جهت است که «آنچه می‌تواند انسان را به حمد و کرنش و تسلیم و خضوع و اطاعت و رغبت و امید و ... وادارد،... مالکیتی است که در آن ربوبیت الهی جاری است، آفرینشی که در آن حکمت، علم و تدبیر و رحمت و سیر تدریجی و تکاملی و هدفمند موج می‌زند» (ترابی، ۱۳۸۹: ۲۱).

در بخش دیگر در داستان هجرت، سال‌ها بعد از صبر بر ظلم فرعون دستور کوچ به بنی اسرائیل داده می‌شود؛ فرعونیان در پی آنان روانه شده و یاران موسی میان دشمنان از یک سو و دریا از سوی دیگر محاصره می‌شوند. گفتمان دستوری وحی ابلاغ می‌شود: «ما به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا زن!» تا فرایند زیباشناختی حضور در اعجاز شکل گیرد. «ناگهان دریا شکافته شد، آب‌ها قطعه‌قطعه شدند، و هر بخشی همچون کوهی عظیم روی هم انباشته گشت! و در میان آن‌ها جاده‌ها نمایان شد» تا سرنوشت قوم با ابرکنشی رخدادی مبتنی بر مشیت خداوند رقم بخورد. فرعون و فرعونیان مبهوت این معجزه به تعقیب موسی و یارانش وارد جاده‌های دریایی می‌شوند و فرمان نابودی (الشعراء: ۶۳-۶۶) صادر می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در نگاه اول؛ وجه دستوری وحی این طور به ذهن می‌رساند که گفتمان آیات، گفتمانی روایی بسته است و می‌توان در محور فرایند کنشی روایت و در فضای قطبی تحلیل کرد اما عدم ارزیابی، مطابق فرمول این نوع روایت و نیز اخلال روند برنامه مدار بودن نظام گفتمان و حضور عناصر زیبایی‌شناختی نشان می‌دهد تعامل حسی ادراکی در فرایند روایت مؤثر است و فرایند گفتمان در فضای تنشی بر پایه تعاملات حسی ادراکی و نیز ابعاد زیبایی‌شناختی رقم می‌خورد.

گفتمان آیات بر اساس روابط تعاملی و بیناوابسته در فرایند حسی ادراکی نوسانی برای تصاحب ارزش درونی شکل می‌گیرد. تنش برآمده از تزلزل پایه‌های اعتقادی در ترسیم ربوبیت، سرچشمه گفتمان سازی آیات می‌گردد؛ امری که تمام وجود، حافظه و ادراک گنشگران را درگیر می‌کند. ربوبیت مرکز عملیات گفته‌پردازی است. ابتدا موسی و فرعون در فضای تنشی شکل گرفته

سعی می‌کنند با الگوهای گفتمانی، یکدیگر را اقناع و همراه سازند اما در نهایت از هم جدا شده و خود فضای گفته‌پردازی جدیدی شکل می‌دهند تا بر گفته‌یابان (مردم) تأثیر بگذارند. در فضای تنشی گفتمان فرعون، با فرایند افزایشی و نیز جوسازی‌های تنشی-عاطفی بیشتر سبک حضور تنشی عاطفی تبعیت می‌شود و فرعون با روشی برنامه‌مدار دنبال تخطئه موسی و تحدی است. در بخش داستان هجرت نیز در فرایند افزایشی و نیز استفاده از الگوی گفتمان القایی بر سبک گزینشی و حذفی تأکید می‌شود تا مردم از ترس به سمت فضای ارزشی گفتمان او روند.

در فضای تنشی گفتمان موسی، ابتدا در فرایند افزایشی گستره زیاد در فشاره بالا مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس با الگوی اتصال گستره به مرکز عملیات پرفشاره «ربوبیت خداوند» گفته‌یابان به عمق متصل می‌شوند. در کنار این وجه التفاتی، ابعاد زیبایی‌شناختی متجلی در اعجاز، باطن افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا فرارزش توحیدی باوری درونی و پایدار در آن‌ها شکل دهد. در داستان هجرت نیز همین الگوی رخدادی اعجاز منجر به رقم خوردن نتیجه روایت می‌شود.

متناسب با هدف آغازین گفتمان، نتیجه نهایی نیز از سوی خداوند به‌عنوان کنشگزار اصلی چنین روایت می‌شود: «ما فرعونیان را از باغ‌ها و چشمه‌ها بیرون کردیم و بنی‌اسرائیل را وارث قرار دادیم» (الشعراء: ۵۷-۵۹). عمل فرعونیان را منجر به نابودی خودشان و نجات بنی‌اسرائیل می‌سازد. پس آیات نشان می‌دهد، کنشگزار اصلی، موسی نیست که با به دست آوردن پیروزی با عدم پیروزی مورد ارزیابی قرار گیرد بلکه کنشگزار اصلی خداوند است و موسی واسطه ارتباط ابژه (مردم) در فضای تنشی هدایت است تا قلب پیامبر اکرم ص به‌عنوان شنونده این روایت آرام گیرد.

۶. پی‌نوشت‌ها

- 1.cognitive
- 2.emotional
- 3.Semiotic narrative
- 4.Post-Greimasian
- 5.discursive systems
- 6.Instance of discourse
7. engagement



8. disengagement
9. utterance
10. enunciation
11. Taking of position
12. extensity
13. disjunctive connection
14. intensity
15. conjunctive connection
16. J. Fontanille
17. Courtés. J
18. center
19. horizen
20. Tensive model
21. Evaluation
22. Opponent
23. Helper
24. Sender
25. Object
26. evaluation
27. competence
28. amplification
29. diffused
30. tonic
31. Mode of efficiency
32. manipulation
33. persuasion
34. exclusive mode
35. concentrated
36. depth
37. ascendance
38. intentional
39. Co-communication
40. aesthetics
41. Aesthesie

۷. منابع

- قرآن کریم
- احمدی، بابک. (۱۳۸۸). *ساختار و تأویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- آیتی، اکرم (۱۳۹۲) بررسی نشانه - معناشناسی گفتمان در شعر « پی دارو چوپان» نیما یوشیج اکرم آیتی جستارهای ادبی ش ۱۸۰، صص ۱۰۵-۱۲۴
- بابک معین، مرتضی. (۱۳۸۳). «سیر زایشی معنا». *مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*. چ

۱. تهران: فرهنگستان هنر.
- پاکتچی، احمد و حمیدرضا شعیری و هادی رهنما (۱۳۹۴). «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سوره «قارعه» با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی». *جستارهای زبانی*، دوره ۶، ش ۴ (پیاپی ۲۵)، صص ۳۹-۶۸.
 - ترابی احمد (۱۳۸۹). «ربوبیت و تربیت». *پژوهش‌های قرآن*، س ۱۶، ش ۶۱، صص ۴-۲۱.
 - حسن‌زاده میرعلی، عبدالله و ابراهیم کنعانی. (۱۳۹۰). «بررسی الگوی نشانه‌شناسی معنانشناسی گفتمانی در شعر قیصرامین‌پور». *پژوهشنامه زبان و ادب فارسی*، س ۵، ش ۲، صص ۱۳۶-۱۱۵.
 - حوقبین، فریده و فهیمه بیدادیان قمی (۱۳۹۲). «بررسی نشانه‌شناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت بر پایه مطالعات نشانه‌شناختی گریماس». *زبان‌شناخت*، س ۴، ش ۲، صص ۵۱-۷۴.
 - خراسانی، فهیمه. (۱۳۸۹). *بررسی ساختار روایی داستان سیاوش بر پایه نظریه نشانه‌شناسی معنانشناسی روایی گرمس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
 - خرسندی *سرتیشیزی*، سعید. (۱۳۷۹). *استدلال و احتجاج در قرآن*. نشر آصف.
 - خلف الله، محمد احمد (۱۹۷۲). *الفن القصصی فی القرآن الکریم*. مکتبه الانجلو المصریة.
 - داودی مقدم فریده (۱۳۹۲). «بازنمایی انسجام در داستان حضرت ابراهیم (ع) بر اساس تحلیل نشانه معنانشناسی گفتمانی». *هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، صص ۷۶۰-۷۷۲.
 - (۱۳۹۳). «تحلیل نشانه معنانشناسی گفتمان در قصه یوسف (ع)». *آموزه‌های قرآنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، ش ۲۰، صص ۱۷۵-۱۹۲.
 - (۱۳۹۳). «تحلیل ادبی زبانی داستان قرآنی موسی (ع) و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی». *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، س ۲، ش ۳، صص ۱۵۸-۱۶۴.
 - سعادات مصطفوی، حسن و شعیری و هادی رهنما (۱۳۹۲). «کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی، نشانه‌شناسی فرایندهای گفتمانی «کرامت» در قرآن با تکیه بر الگوی تنشی». *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، صص ۲۴-۴۲.
 - شریفی، حدیث و فواد نجم‌الدین (۱۳۹۳). «تحلیل نشانه‌شناختی گفتمانی سوره الرحمن». *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ش ۵، صص ۴۷-۷۲.
 - شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۱). *مبانی معنانشناسی نوین*. تهران: سمت.



- ----- (۱۳۸۵). تجزیه و تحلیل نشانه- معناشناختی گفتمان. تهران: سمت.
- ----- (۱۳۸۶). «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه- معناشناسی». *هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران*. دانشگاه علامه طباطبایی.
- ----- (۱۳۸۷). «روش مطالعه گفته‌ای و گفتمانی در حوزه نشانه- معناشناسی». *مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه- شناسی هنر*. تهران: فرهنگستان هنر.
- ----- (۱۳۸۸). «از نشانه-شناسی ساختگرا تا نشانه- معناشناسی گفتمانی». *تقد ادبی*. س. ۲. ش. ۸. صص ۳۳-۵۱.
- ----- وعصمت اسماعیلی و ابراهیم کنعانی. (۱۳۹۲). «تحلیل نشانه معناشناختی شعر باران». *ادب پژوهی*. ش. ۲۵. صص ۵۹-۸۹.
- ----- (۱۳۹۵). نشانه معناشناسی ادبیات. انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم. چ ۵.
- فضل الله، محمد حسین (۱۳۸۹). *گفت و گو و تفاهم در قرآن کریم*. ترجمه سید حسین میردامادی. چ ۲. تهران: هرمس.
- قهرمانی، مریم (۱۳۹۲). ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان رویکرد نشانه‌شناختی. تهران: ناشر- مؤلف
- مجد فقیهی، محمدعلی و روح الله دهقانی. (۱۳۹۴). «بررسی تفسیری تکرار قصه حضرت موسی ع در قرآن». *فصلنامه مطالعات تفسیری*. س. ۶. ش. ۲۲. صص ۷-۲۴.
- محمدی، محمدهادی و علی عباسی. (۱۳۸۱). *صمد: ساختار یک اسطوره*. تهران: چیستا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- میر، مستنصر و حسین عبدالرئوف (۱۳۹۰). *مطالعه قرآنی به منزله اثر ادبی*. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: انتشارات نیلوفر.
- یاسوف، أحمد (۲۰۰۶). *دراسات فنیة فی القرآن الکریم*. سوریه: دارالمکتبی.
- Fonanille.J (1998). sémiotique du discours. Limoges. PULIM.
- Courtés.J(1991). Analyse sémiotique du discours. De L'énoncé a l'énonciation, Paris, Hachette.